

یادداشت

چرخه «دستمزد-تورم»

یا ماریپچ «سود- تورم»



ابوالفضل کرمانی

پس از شکست قطب «دولت-کارفرما» در طرح «مزد منطقه‌ای» به کارگران در جلسات شورای‌عالی کار، آنها همچنان با به‌کارگیری حربه‌های نخب‌ما مانند طرح بی‌سرانجام «مسکن کارگری» یا کشاندن مذاکرات به روزهای پایانی سال سعی در بی‌نتیجه‌گذشتن تلاش کارگران در عملی‌شدن خواسته قانونی‌شان دارند. مطابق ماده ۴۱ قانون کار حداقل دستمزد کارگران باید براساس نرخ تورم تعیین شود. رقم حداقل دستمزد بر مبنای محاسبه خوش‌بینانه سید معیشتی ۱۵ میلیون تومان در سال ۱۴۰۲ و نرخ تورم ۲۵درصدی در گروه‌های اصلی خوراک و پوشاک در بهمن ۱۴۰۲ برای سال ۱۴۰۳ حدود ۲۲ میلیون تومان برآورد می‌شود. با این حال این قانون بارها در سایه انفعال نهادهای نظارتی و به پشتوانه گزارش‌های سفارشی نهادهای پژوهشی (مانند مرکز پژوهش‌های مجلس) نادیده گرفته می‌شود؛ گزارش‌هایی که در برنگاه‌های حساس از طرح‌هایی مانند «مزد منطقه‌ای» حمایت می‌کنند. مخالفان اجرای قانون افزایش متناسب با تورم دستمزدها در پشت‌نظر ثباتی پنهان می‌شوند که نه انسجام‌تئوریک دارند و نه تجربیات جهانی صحت آنها را تأیید می‌کند. اصلی‌ترین آنها نظریه «چرخه دستمزد- تورم» است؛ به این معنا که افزایش دستمزد موجب بالا رفتن تورم می‌شود و اقتصاد در دام ماریپچ صعودی تورم-دستمزد می‌افتد که در نهایت به ضرر کارگران است. ساده‌سازی‌های مشکوک این چینی که توجیهی برای تخرلف از قانون کار می‌شوند، بر این فرض استوارند که قیمت محصولات ابتدا در «جعبه سیاه عرضه و تقاضا» تعیین می‌شود و سپس کارفرما پس از کسر هزینه‌ها، سهمی را به خود (سود) و کارگران (دستمزد) اختصاص می‌دهد. این در حالی است که دستمزد نیروی کار که به منظور تداوم بازتولید کارگر و خانواده‌اش به او پرداخت می‌شود، به‌عنوان سرمایه متغیر از پیش در «ارزش» محصولات نهفته است؛ ارزش بالاتر محصولات در گرو به‌کارگیری حجم بالاتر نیروی کار است. چنانچه تکنولوژی بالاتری از طرف برخی بنگاه‌ها استفاده شود و بهره‌وری افزایش یابد، «قیمت بازاری» محصولات به سمت «ارزش» محصولات تولیدشده در بنگاه‌های با بهره‌وری بالاتر میل می‌کند و بنگاه‌های با بهره‌وری پایین مجبور به فروش محصولات به قیمتی پایین‌تر از ارزش محصول می‌شوند که آنها را به دوراهی ارتقای تکنولوژی یا تعطیلی بنگاه می‌کشاند. در هر صورت پایین‌آمدن سطح عمومی قیمت‌ها ناشی از رشد بهره‌وری، هزینه بازتولید نیروی کار را کم می‌کند و کارگران می‌توانند پایین‌آمدن دستمزد (سرمایه متغیر) را تحمل‌کنند. در این فرایند هزینه بازتولید کارگر و خانواده‌اش متناسب با قیمت محصولات اقتصاد تعیین می‌شود و مسلما اگر دستمزد کارگران هزینه مزبور را پوشش ندهد، بازتولید نیروی کار متوقف خواهد شد. مخالفان رشد متناسب با تورم قیمت‌ها فضایی ذهنی را ترسیم می‌کنند که گویا قیمت بازاری محصولات بدون اثرپذیری از عوامل دیگر مستقیما به وسیله دستمزدها تعیین می‌شود، غافل از اینکه افزایش یا کاهش دستمزد چنانچه مستقیما (بدون دخالت عوامل دیگر) به افزایش و کاهش قیمت بازاری محصولات بینجامد، تفاوتی در رفاه کارگران ایجاد نمی‌کند؛ زیرا هزینه بازتولید نیروی کار را کم و زیاد می‌کند. در یک حالت فرضی اگر کاهش دستمزدها به نصف مقدار کنونی منجر به نصف‌شدن هزینه معاش (هزینه بازتولید کارگران) می‌شد، مسلما سطح رفاه کارگران بی‌تغییر می‌ماند. بنابراین برای فهم دلیل کاهش سطح رفاه کارگران باید قیل از هر کاری عامل تعیین‌کننده افزایش هزینه بازتولید کارگران (تأمین سبد معیشت) را پیدا کرد. این هزینه با میانگین قیمت‌های بازار تعیین می‌شود که انحراف آنها از میانگین ارزش محصولات ناشی از سهم‌خواهی بیشتر کارفرمایان از درآمد بنگاه در قالب سود است. سودخواهی بالاتر و کاملا نامتناسب با حجم سرمایه مولد (که نیروی کار بیش‌ترری را درگیر تولید ارزش اضافی کند)، عامل تورم مزمن اقتصاد ایران است که به‌تدریج رفاه کارگران را نابود می‌کند. اقتصاد ایران از انحصار در صنایع مختلف و ممانعت از ورود سرمایه‌های مادی و انسانی به فعالیت‌های مولد رنج می‌برد. این شرایط انحصاری، صنایع کلان را از ارتقای تکنولوژی و بهبود مختصات سرمایه انسانی بی‌نیاز کرده و کارسنت اقتصادی را به‌تدریج بر صنایع مستهلک رات‌محور استوار کرده است. بنگاه‌های اصلی کشور به کمک سازوکار مالی موجود در بازار پول و سرمایه هزینه ناپهینگی فعالیت‌های خود را به جامعه منتقل می‌کنند و به این وسیله بیش‌ازپیش در نظام توزیع درآمد اخلال ایجاد کرده و نابرابری را تشدید می‌کنند. درهم‌تئیدگی فعالیت‌های واقعی و مالی اقتصاد زمینه هم‌پوشانی منافع بسیاری از بنگاه‌ها را در قالب کارتل‌های بزرگ مالی فراهم کرده و زیست اقتصادی این بنگاه‌ها را عملا متأثر از فعالیت‌های غیرمولد در بخش مالی کرده است. در این شرایط صاحبان سرمایه در ایران به‌خوبی با بی‌ثباتی اقتصادی کشور منطبق شده‌اند و بخش بزرگی از سرمایه‌ها را به فعالیت‌های مالی و بازار دارایی‌ها گسیل داشته‌اند که عملا مصون از مالیات محسوب می‌شود. در این چار چوب سود بالای فعالیت‌های مالی و با راهی مناسب بازار دارایی‌ها، عملا مزیت فعالیت‌های مولد و ارتقای بهره‌وری و کیفیت زندگی نیروی کار کشور را نابود کرده است. این وضعیت به استقرار ماریپچ «سود-تورم» در اقتصاد ایران منجر شده، به‌گونه‌ای که بخش مالی و پولی تحقق سود مزبور را به کمک خلق نقدینگی بالاتر ممکن کرده‌اند؛ بنابراین تمرکز بر نظریه «چرخه دستمزد- تورم» در توجیه ممانعت از افزایش دستمزدها تنها پنهانی‌ای است برای جلوگیری از کاهش نرخ سودی که نصیب کارفرمایان می‌شود.

ادامه از صفحه اول

رأی باطله اصولگرایان

از این رو، میزان و نحوه مشارکت در شهرهای بزرگ و مراکز استان‌ها برای تحلیل سیاسی قابل اتکاتر و مهم‌تر هستند. در این انتخابات، در کلان‌شهرها و مراکز استان‌ها آرای باطله پررنگ بود. آرای باطله را چنین تفسیر کرده‌اند که فرد نظام را قبول دارد اما کاندیدایی مورد نظرش نیست. اگر این تعبیر را بپذیریم، می‌توان گفت که بخش عمده آرای باطله متعلق به آن دسته از اصلاح‌طلبانی است که قصد مشارکت داشتند اما کاندیداهای مورد نظرشان رد صلاحیت شده بودند. چراکه در این انتخابات اصولگرایان با لیست‌های متعدد که نماینده طیف‌های مختلف اصولگرایی از میانه‌رو تا افراطی است، شرکت کردند: «جبهه متحد انقلاب»، «حامیان هنر و رسانه انقلاب اسلامی»، «شورای ائتلاف نیروهای انقلاب»، «ائتلاف مردمی نیروهای انقلاب»، «شورای وحدت اصولگرایان» و… اما جبهه اصلاحات در قالب جبهه به جز چند حزب در این انتخابات حضور نداشت و لیستی از سوی این جبهه یا احزاب اصلی و شاخص این جبهه ارائه نشد. از این رو به نظر می‌رسد بخش قابل توجهی از آرای باطله به نوعی گرایش به این جناح را نمایندگی می‌کند که خواستند با این سبقت اعتراض خود را به رد صلاحیت‌ها نشان دهند. اما جالب اینکه برخی فعالان اصولگرا در پاسخ به این موضوع، تصاویر برکه‌های رانی را در فضای مجازی بازنشر می‌کنند که نشان می‌دهد برخی «فقط به عشق رهبری» آمده‌اند و با این کار می‌خواهند نشان دهند بخشی از برکه‌های سفید رای، متعلق به جریان اصولگرایی است. غافل از اینکه این تصاویر از آرای باطله، سؤال مهم‌تری را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند و آن اینکه اصولگرایان چه عملکرد و کارنامه‌ای داشته‌اند که حتی کسی که خود را عاشق رهبری معرفی می‌کند، حاضر نشده حتی نام یک نفر را از این انواع لیست‌های مختلف اصولگرا‌ها از پیر و جوان و تندرو و میانه‌رو در برکه رای خود بنویسد و ترجیح داده برکه رای خود را سفید به صندوق بیندازد؟

سازمان فنی و حرفه‌ای عنوان شغلی کاشت ناخن و کاشت مژه را به فناوری نصب ناخن و فناوری نصب مژه تغییر داد

تغییر نام دو رشته آرایشگاهی

پیش‌درآمد

مهماف سلیمان بیگی: مدتی پیش استانداردهای

رشته‌های آموزشی مربوط به ناخن و مژه که تحت

عنوان **سند حرفه در پورتال سازمان فنی و حرفه‌ای کشور**، بارگذاری می‌شد، یکباره حذف شد. اقدامی که به پشتوانه آن شمار زیادی از زنان باید یا بی‌کار می‌شدند یا اینکه ناچار بودند با چشم‌پوشی از حقوق قانونی خود در بازار کار به‌صورت زیرزمینی فعالیت کنند. حالا با گذشت حدود شش ماه زنان شاغل در این **صنف** خبر می‌دهند که **سازمان فنی و حرفه‌ای و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی** با برگزاری یک **هم‌اندیشی سراسری** از تمام زنان شاغل کشور در این **صنف** دعوت کرده و مسئله حل‌وفصل شده است.

زنان آرایشگر توضیح می‌دهند که به دلیل اینکه عبارات «کاشت مژه و کاشت ناخن» شائبه دخالت آرایشگران در امور پزشکی را ایجاد می‌کرد، این عناوین شغلی تغییر کرده است و از این پس فعالان این رشته آرایشگاهی با عناوین «فناوری نصب ناخن» و «فناوری نصب مژه» در بازار کار فعالیت خواهند کرد.

نزدیک به شش ماه پیش برخی زنان آرایشگر گزارش دادند که سازمان فنی و حرفه‌ای کشور آنها را در بازار کار با محدودیت مواجه کرده است. به این صورت که تا پیش از آن تاریخ استانداردهای آموزشی در رشته ناخن و مژه تحت عنوان **صند حرفه در پورتال سازمان فنی و حرفه‌ای کشور** بارگذاری شده بود و به تیج آن آموزشگاه‌های آزاد نسبت به تعریف دوره، اخذ شهریه و اجرای دوره اقدام می‌کردند اما یک‌دفعه این استانداردها بدون اطلاع قبلی به استان‌ها، از پورتال سازمان فنی و حرفه‌ای کشور حذف شد و کارآموزانی که دوره آموزش خود را به پایان رسانده بودند، امکان معرفی به آزمون صلاحیت حرفه‌ای نداشتند و رسماً بلاتکلیف شده بودند.

بعضی از زنان آرایشگر در گفت‌وگو با «شرق» در این باره سفره دل باز کردند و توضیح دادند که وزارت کار که باید متولی اشتغال باشد با اقدام اخیر خود در حال محدودکردن بخشی از زنان در بازار کار است چراکه بدون این مجوز نه‌تنها رسماً امکان کار آرایشگران جدید در زمینه ناخن و مژه وجود ندارد که آرایشگران قدیمی در این رشته‌ها دیگر نمی‌توانند فعالیت رسمی در آرایشگاه‌ها داشته باشند و ناچار هستند به‌صورت زیرزمینی فعالیت کنند.

سیمین محمدباقری، رئیس انجمن صنفی آموزشگاه‌های مراقبت و زیبایی تهران، با تأیید این موضوع به «شرق» گفته بود که با ممنوعیت‌های مختلف برای آرایشگران زن، بسیاری

از فعالان این صنف به‌صورت زیرزمینی و غیرمجاز فعالیت می‌کنند و فشارهای بیشتر بخش قانون‌مند و شفاف این صنف را هم به فعالیت‌های زیرزمینی سوق می‌دهد. او همچنین توضیح داده بود که کاشت مژه و ناخن حداقل ۱۵ رشته جانبی را پوشش می‌دهد و با این اقدام یک‌شبه و ناگهانی سازمان فنی و حرفه‌ای کشور، شمار زیادی از زنان بی‌کار می‌شوند یا ناچار هستند با چشم‌پوشی از حقوق قانونی خود در بازار کار به‌صورت زیرزمینی فعالیت کنند.

با این همه، حذف برخی شاخه‌های آرایشگری از پورتال سازمان فنی و حرفه‌ای برای مردم چندان تعجب‌برانگیز نبود چراکه یک ماه پیش از این خبر، شائبه‌هایی درباره این مسائل شنیده شده بود؛ مثلاً در ۲۹ مرداد امسال، اعتماد نوشته بود که بر اساس شنیده‌ها، مجلس به دنبال تصویب ممنوعیت کاشت ناخن و مژه برای زنان و حتی ممنوعیت ورود آنها به ورزشگاه‌هاست. این رسانه با اشاره به بندهایی از لایحه حجاب و عفاف نوشت که نمایندگان مجلس در این لایحه پیشنهادهای زیادی مطرح کرده‌اند؛ از جمله اینکه استفاده از جادر به‌عنوان حجاب برتر برای کلیه دانشجویان، معلمان و بانوان شاغل در آموزش‌وپرورش اعم از اداری و آموزشی الزامی شود و کاشت ناخن و مژه برای آنان ممنوع باشد. این گزارش‌ها البته بعدها تکذیب شد.

حالا سیمین محمدباقری، رئیس انجمن صنفی آموزشگاه‌های مراقبت و زیبایی تهران، به «شرق» خبر می‌دهد که مشکل حذف برخی رشته‌ها از پورتال سازمان فنی و حرفه‌ای حل شده است و این رشته‌ها با اصلاح عنوان، به بازار کار زنان بازگشته‌اند.

او روال حل مشکل را این‌گونه توضیح می‌دهد: «تشکل‌های صنفی و این‌جانب چندین بار با معاون وزیر دیدار داشتیم و

برای ایشان توضیح دادیم که هدف و رسالت سازمان فنی و حرفه‌ای ایجاد شغل مبتنی بر نیاز جامعه است؛ به این معنا که در برابر تقاضاهایی که وجود دارد باید شغل ایجاد شود. همچنین از ریاست سازمان، جناب آقای عظیمی نیز درخواست جلسه کردم و توضیح دادم که رسالت سازمان ایجاد شغل است و حالا هم که چه در بخش مردانه و چه زنانه تعداد زیادی از جوانان مشغول به کارکردن هستند، چه بهتر که به صورت رسمی و با استانداردهای جهانی پیش بروند. خوشبختانه ایشان نظر مساعدی داشتند و با تعهدی که در زمینه اشتغال و بازار کار کشور دارند، حسن نیت نشان دادند تا امکان اشتغال بخشی از زنان آرایشگر در بازار کار سلب نشود».

او ادامه می‌دهد که «همچنین با تقاضای کانون تخصصی مراقبت و زیبایی استان تهران و همکاری آقای عظیمی و دکتر حبیبی، رئیس مؤسسات آموزشگاه‌های آزاد، فراخوانی داده شد و از سراسر کشور تمام نمایندگان و رؤسای انجمن‌های کشور دعوت شدند تا برای مشکلات این صنف چاره‌اندیشی و هم‌فکری شود. نهایتاً همه امورات مربوط به مراقبت زیبایی به خود این صنف واگذار شد تا بتوانند به صورت کارشناسی فرصت‌ها و تهدیدها را آسیب‌شناسی کنند».

این‌ فعال صنفی همچنین توضیح می‌دهد :«مشکل این بود که کلمه کاشت در اسامی این رشته استفاده شده بود که اعتراض بجایی بود و شائبه دخالت آرایشگران در امور سایر صنوف و به عنوان مثال پزشکان را ایجاد می‌کرد. بنابراین این‌ واژه باعث چالش و کج‌فهمی می‌شد. ما عناوین را اصلاح کردیم و نام این رشته‌ها از کاشت مژه و ناخن به «فناوری ناخن» و «فناوری و نصب مژه» تغییر کرد و مشکل حل شد».

طولانی‌شدن فرایند تخصیص و تأمین، با پیگیری وزارت صنعت از بانک مرکزی، از دیروز روند تخصیص ارز بهبود یافته و برای شب عید مشکلی نخواهیم داشت».
رئیس انجمن واردکنندگان موبایل و تبلت ایران در مورد رجیستری موبایل هم گفت که «پس از اجرایی‌شدن این قانون، بیش از ۹۷ درصد موبایل‌های واردشده به صورت قانونی است. رجیستری حتی برای دولت هم از نظر درآمذایی از طریق اخذ حقوق ورودی، ارزش افزوده و... نتایج خوبی داشته است و گارانتی موبایل به ۱۸ ماه افزایش یافته و اشتغال‌زایی در این صنعت رشد محسوسی یافته به گونه‌ای که ۲۰ هزار نفر در این حوزه مشغول به کار هستند».

اسدی با اشاره به ممنوعیت واردات آیفون ۱۴ و ۱۵ توضیح داد: «هرگونه واردات این کالاها در حال حاضر ممنوع است و هم سامانه همتا آتش گوشی را قطع می‌کند و هم دبیتایس قطع می‌شود».
او همچنین توضیح داد که «واردات موبایل تحریم نیست اما به دلیل محدودیت‌های نقل و انتقال پول، خرید موبایل از شرکت مادر سخت است و باید از طریق واسطه خریده‌ا انجام شود. البته فروش دانش تولید موبایل تحریم است».
محمدرضا عالیان، دبیر کنگره موبایل ایران هم در این نشست با اشاره به تعرفه واردات موبایل گفت که «هیچ تعرفه جدیدی ابلاغ نشده و واردات موبایل بر اساس تعرفه سال قبل انجام می‌شود و مصوبه‌ای که به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ شده است چیز جدیدی نیست و تا امروز هیچ تغییر تعرفه‌ای بر واردات موبایل صورت نگرفته است و کمکان واردات بر اساس تعرفه سال گذشته انجام می‌شود».

او افزود: «از ابتدای سال جاری برای واردات موبایل بالای ۶۰۰ دلار از شرکت‌های تجاری واردکننده، تعرفه ۱۵ درصدی واردات و همچنین از مسافران ۳۰ درصد تعرفه واردات موبایل اخذ می‌شود که کمکان همان قانون در حال اجراست و تعرفه جدید ابلاغ نشده است».

۱۴- هوای آلوده در شهرها و دیگر نقاط کشور
۱۵- از بین رفتن جنگل‌ها
۱۶- وجود فاضلاب‌ها و پساب‌ها و پسماندها در کشور که روز به روز بیشتر می‌شود
۱۷- نوسل و کم‌شدن دانمی قدرت خرید مردم
۱۸- متحمل حمل‌ونقل بار و مسافر در کشور
۱۹- موضوع دانشگاه‌ها در کشور و آموزش و پرورش و تربیت نسل جوان
۲۰- اینترنت و سود ۳۰ هزار میلیارد تومانی فیلترشکن‌ها و آینده اینترنت آزاد بدون امکان فیلترینگ
امیدواریم مجلس دوازدهم در حل حداقل مسائل یادشده توفیق داشته باشد.

خبر

نیاز نفت ایران به

۲۵۰ میلیارد دلار سرمایه

دبیر کل سابق مجمع کشورهای صادرکننده گاز گفت که «ایران به ۱۶۰ تا ۲۵۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در حوزه نفت نیاز دارد».
محمدحسین عادل، دبیر کل سابق مجمع کشورهای صادرکننده گاز، به ایننا توضیح داد: «به دلیل تلاطم‌های ژئوپلیتیک، وضعیت انرژی متلاطم است و جمله دلائل آن نفت شیل و کرونا و اکنون جنگ روسیه و اوکراین بوده و باعث تغییرات بزرگی در بازار نفت شده است. تحولاتی که ایجاد شده منجر به این شده که ناپایداری عرضه انرژی در اروپا و تحریم روسیه و عرضه ارزان انرژی را شاهد باشیم».
دبیر کل پیشین GECF گفت: «آنچه ما برای سال‌های آینده انتظار داریم، تقاضا برای انرژی تا دو دهه آینده ۲۲ درصد و گاز ۳۶ درصد افزایش می‌یابد و با وجودی که دوره تجدیدپذیرهاست، گاز همچنان اولویت بالایی در تأمین انرژی اروپا دارد. براین اساس چشم‌انداز اوپک پیش‌بینی می‌شود نقش سوخت فسیلی در سبد انرژی از ۷۹ درصد به ۶۲ درصد و تجدیدپذیرها از ۲۱ درصد به ۳۸ درصد برسد، همچنین اکنون تقاضا برای نفت زیر ۱۰۰ میلیون بشکه در روز است که تا ۲۰۲۸ به ۱۱۰ میلیون بشکه و تا ۲۰۴۵ به ۱۱۶ میلیون بشکه در روز خواهد رسید».

عادل با اشاره به رویکرد جهان در زمینه توجه به هیدروژن و کاهش انتشار کربن گفت: طبق پیش‌بینی اوپک سهم انرژی فسیلی در سبد انرژی از ۸۰ درصد به زیر ۷۰ درصد می‌رسد و سهم تجدیدپذیرها به ۳۱ درصد خواهد رسید، در برآورد آژانس بین‌المللی انرژی نیز آغاز پایان انرژی فسیلی عنوان شده و پیش‌بینی شده که ۲۰۲۰ زمان پیک فسیلی‌ها بوده و بعد از آن روند کاهشی خواهد داشت و نهضت تجدیدپذیرها رو به جلو می‌رود. او سرمایه‌گذاری در انرژی خورشیدی را ۴۳ درصد و در حمل‌ونقل برقی ۳۶ درصد مورد کرد و افزود: در حوزه انرژی خورشیدی ۲۳۹ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری صورت گرفته و هیدروژن نیز جایگاه بالایی دارد».
این کارشناس انرژی ادامه داد که «کشورهای صادرکننده انرژی چالش بزرگ‌تری دارند زیرا درآمدهایشان کاهش می‌یابد. در این میان چین به عنوان واردکننده بزرگ انرژی ۵۰ درصد نفت و ۷۰ درصد گاز خود را وارد می‌کند و اولین مسئله برای این کشور امنیت انرژی است».
عادل‌ی ادامه داد: «روسیه به دنبال جنگ با اوکراین و تحریم اکنون به دنبال بازار جدید نفت و گاز و تکنولوژی تجدیدپذیر و همچنین درگیر ثبات اقتصادی است و اولویت آمریکا این است که تولید تجدیدپذیر را افزایش دهد و همچنین افزایش تولید و صادرات نفت داشته باشد».
عادل‌ی گفت: «چالش عربستان نیز این است که تولید نفت را افزایش داده و تولید گاز را ۵۰ درصدافزایش دهد، برای تجدیدپذیرها ۱۸۶ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری می‌کند و برنامه‌های کاهش انتشار کربن، جنگل‌کاری و حفاظت از مناطق خشکی و دریا را به‌طور گسترده‌ای در دستور کار دارد، همچنین بنا دارد چهار میلیون تن هیدروژن تولید کند».
او همچنین به برنامه‌های قطر اشاره کرد و گفت: «این کشور افزایش تولید گاز را در دستور کار دارد و برنامه‌های جدید دارد و امارات نیز برنامه دارد تولید نفت را به هفت میلیون بشکه برساند و روی تجدیدپذیرها ۱۲۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کرده است».
عادل‌ی با اشاره به برنامه ترکیه تأکید کرد: «این کشور بنا دارد هاب گازی منطقه باشد به‌طوری‌که در ۲۰۲۲ چند قرارداد صادرات گاز به اروپا از جمله بلغارستان، رومانی و مالدیو به امضا رسانده است، همچنین به‌دنبال این است که از روسیه، آذربایجان، ترکمنستان و ایران دریافت گاز داشته باشد و عراق نیز برنامه افزایش تولید نفت را دنبال می‌کند و بنا دارد به شش‌میلیون بشکه در روز برسد».
عادل‌ی در ادامه به چالش ناترازی انرژی در بخش‌های مختلف در ایران اشاره کرد و گفت: ما علاوه بر ناترازی گاز در حوزه برق نیز ۱۲ تا ۱۵ هزار مگاوات ناترازی داریم، در حوزه برنیز ۱۰۰ میلیون لیتر تولید و ۱۱۰ میلیون لیتر مصرف داریم، ما به ۱۶۰ تا ۲۵۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در حوزه نفت نیاز داریم و مهم‌ترین چالش ما تنش سیاسی و تحریم‌های گسترده است، به طوری که تدوین راهبرد کشاورزی و تحقق جایگاه درست اقتصادی و ژئوپلیتیک بدون صادرات نفت و گاز میسر نیست».